

دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی

سال ۹، شماره ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

نقد و ارزیابی ترجمه محمد دشتی از نهج البلاغه بر اساس مدل گارسس (۱۹۹۴)

(مطالعه موردی: ترجمه خطبه اول و حکمت‌های ۱ تا ۲۰)

۱- مهین حاجی‌زاده* ۲- پروین فرهادی** ۳- رعنا فرهادی***

۱- دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

۲- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲)

چکیده

نهج البلاغه از منابع مهم و معتبر دینی است که از زمان تدوین آن تاکنون با اقبال صاحبان دانش و فضل روبه‌رو شده است و مترجمان متعددی با هدف تبیین و تشریح این شاهکار گرانقدر امیرالمؤمنین (ع) به ترجمه آن پرداخته‌اند. اما سؤال اینجا است که این ترجمه‌ها تا چه حد توانسته‌اند اعجاز، قدرت و گیرایی کلام امیر (ع) را به نحو احسن به جامعه فارسی‌زبان معرفی و منتقل کنند؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف ارزیابی کیفیت ترجمه صورت گرفته از نهج البلاغه توسط محمد دشتی، انجام گرفته است. در میان الگوهای متعدد ارزیابی کیفیت ترجمه، الگوی گارسس که در مقایسه با الگوهای پیشنهادی دیگر به نسبت جامع‌تر است به منزله چارچوب پژوهش در نظر گرفته شده است. این الگو چهار سطح معنایی-لغوی، نحوی-واژه‌شناختی، گفتمانی-کارکردی و سبکی-منظورشناختی (عملی) را شامل می‌شود. هر کدام از این سطوح، دارای زیرگروه‌ها و اجزای خاصی هستند که متون ترجمه شده براساس آن‌ها ارزیابی می‌شوند. در این پژوهش، ترجمه خطبه اول و حکمت‌های ۱ تا ۲۰ از مترجم نامبرده برای ارزیابی کیفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است و پس از تعیین میزان فراوانی هر یک از زیرگروه‌های موجود در سطوح چهارگانه طبق الگوی گارسس، نتایج به صورت نمودار نشان داده می‌شود. نتیجه ارزیابی براساس تکنیک‌های مثبت، منفی و خنثی بیانگر این است که ترجمه دشتی دارای معیار مقبولیت بوده و از کیفیت به نسبت بالایی برخوردار است. براساس ۳ حوزه افزایش، مانش و کاهش در ترجمه، ترجمه دشتی در حوزه افزایش، بسامد بیشتری دارد؛ زیرا ترجمه این شاهکار ادبی که دارای فصاحت و بلاغت بوده به صورت روان و محتوامحور به انجام رسیده است و مخاطب در فهم آن با چالش چندانی در درک موضوع مواجه نمی‌شود و روش وی یک روش مقصدگرا بوده است.

واژگان کلیدی: ارزیابی ترجمه، نهج البلاغه، محمد دشتی، گارسس.

* E-mail: hajizadeh@azaruniv.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: pfarhadi95@gmail.com

*** E-mail: farhadirana95@gmail.com

مقدمه

مدت مدیدی از گردآوری نهج البلاغه توسط سید رضی می‌گذرد؛ از گذشته تاکنون ترجمه‌های زیادی از سوی علمای شیعه و تسنن بر این اثر گرانسنگ صورت گرفته است. مسلماً در میان ترجمه‌های منتشر شده، برخی بیش از سایرین دارای اهمیت هستند، اما زمانی می‌توانیم درباره اهمیت و کیفیت ترجمه‌های صورت گرفته اظهار نظر کنیم که توانسته باشیم براساس الگویی دقیق و علمی به بررسی و ارزیابی کیفیت این ترجمه‌ها بپردازیم. تلاش‌های زیادی برای به دست دادن الگوهای ارزیابی صورت گرفته و محققان ایرانی و خارجی چارچوب‌های متفاوتی را مطرح کرده‌اند که در پژوهش حاضر از میان آن‌ها، الگوی گارسس به خاطر جامع بودن نسبت به مدل‌های دیگر به عنوان چارچوبی برای ارزیابی و مقایسه متون ترجمه شده از نهج البلاغه انتخاب شده است.

در این پژوهش، ترجمه «محمد دشتی» در چهار سطح پیشنهادی الگوی گارسس (Garces)، بررسی و مقادیر به کار رفته در این سطوح و ارکان و اجزای آن‌ها محاسبه شده و نتایج به صورت نمودارهایی نشان داده شده است. براساس الگوی گارسس، فنون متفاوتی که در همه فعالیت‌های ترجمه - به‌طور مشترک دخیل‌اند - به ۳ حوزه اصلی تقسیم می‌شوند: افزایش، مانس و کاهش.

در پژوهش حاضر، داده‌ها از نظر دارا بودن این ویژگی‌ها نیز بررسی شده و نتایج به صورت نمودار نشان داده شده است. در این الگو، ترجمه‌ها از نظر ۲ معیار کفایت و مقبولیت نیز باید ارزیابی شوند؛ نمودارهای رسم شده چگونگی این تجزیه و تحلیل را نشان می‌دهند. این ۲ معیار با استفاده از ویژگی‌های مثبت و منفی معرفی شده و الگوی پیشنهادی، شرایط لازم را برای عرضه کردن ترجمه‌ای مناسب و خوب از لحاظ انطباق با مؤلفه‌های معنایی و عناصر دستوری دو زبان مبدأ و مقصد فراهم می‌کنند.

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی کیفی ترجمه نهج البلاغه «محمد دشتی» در پی

پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- براساس مدل ارزیابی گارسس، کیفیت ترجمه محمد دشتی از نهج البلاغه در چه سطحی است؟
- کدام یک از سطوح چهارگانه گارسس (معنایی - لغوی، نحوی - واژه‌ساختی، گفتمانی - کارکردی و سبکی - عملی) در ترجمه دشتی بازتاب بیشتری دارد؟
- در فرضیه سوالات مطرح شده می‌توان گفت:
- کیفیت ترجمه مترجم محمد دشتی در سطح به نسبت بالایی قرار دارد؛ نمونه‌هایی از تکنیک‌های منفی در ترجمه ایشان به چشم می‌خورد، اما تعداد تکنیک‌های مثبت نسبت به تکنیک‌های منفی بیشتر است.
- به نظر می‌رسد سطح اول و دوم از الگوی گارسس، بازتاب بیشتری در ترجمه اشاره شده داشته باشد.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انگشت‌شماری براساس نظریه گارسس نوشته شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

«بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون ادبی (مطالعه موردی: نقد و ارزیابی آثار ترجمه شده غسان کنفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحیات)» عنوان پژوهشی است که پروین فرهادی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به آن پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اغلب ترجمه‌های صورت گرفته از آثار کنفانی دارای هر دو معیار کیفیت و مقبولیت بوده و ترجمه‌هایی روان و قابل فهم به مخاطبان ارائه داده‌اند و نیز در انتقال سبک نویسنده به متن مقصد موفق بوده‌اند.

«نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی لغوی گارسس)» مقاله‌ای به همت محمد رحیمی خویگانی (۱۳۹۶) است، ایشان در این پژوهش، واژگان ترجمه گرمارودی از قرآن کریم را براساس سطح معنایی - لغوی گارسس مورد نقد و ارزیابی قرار داده است. این ارزیابی نشان می‌دهد واژگانی که گرمارودی در ترجمه

از آن بهره برده است از منظر مؤلفه‌های نظریه گارسس قابل نقد و ارزیابی است و بسیاری از تکنیک‌های موجود در سطح اول گارسس در ترجمه گرامرودی وجود دارد.

«ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی براساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه)» عنوان مقاله متقی‌زاده و تقی‌زاده (۱۳۹۶) است. ایشان در این مقاله، ترجمه عربی پیام رهبر معظم انقلاب به حجاج را براساس الگوی گارسس مورد ارزیابی قرار داده‌اند. از جمله یافته‌های پژوهش، آن است که تفاوت‌های فرهنگ موجود بین دو زبان فارسی و عربی و مهارت‌یابی در سطح واژگان و دستوری براساس اختلافات موجود، یکی از چالش‌های مهم در فرآیند این ترجمه است.

«بررسی ترجمه‌های قرآن کریم براساس مدل گارسس (مطالعه موردی: سوره‌های الطور، الحاقه و البلد در ترجمه‌های بهاء‌الدین خرمشاهی، طاهره صفارزاده و محمود حسن شیخ‌الهند)» عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد رعنا فرهادی (۱۳۹۷) است. براساس نتایج این پژوهش، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی نسبت به دو ترجمه دیگر هم از کیفیت والایی برخوردار است و هم تعداد تکنیک‌های منفی در ترجمه ایشان بسیار کمتر از تکنیک‌های منفی دو ترجمه دیگر است که همین امر سبب شاخص بودن ترجمه ایشان شده است.

مقاله «نقدی بر انتخاب‌های واژگانی محمد دشتی در ترجمه نهج البلاغه از منظر سطح معنایی- لغوی» دیگر پژوهشی است که توسط رحیمی‌خویگانی و همکاران (۱۳۹۷) صورت گرفته است. نتیجه این پژوهش مبین آن است که محمد دشتی در انتخاب‌های واژگانی خود به بسط واژگان در قالب‌های مختلف گراییده و تا حد ممکن ابهام‌های واژگانی کلام امیر (ع) را با توضیح و تفسیر از میان برده تا هیچ واژه مبهمی در ترجمه ایشان وجود نداشته باشد.

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته، تاکنون در هیچ پژوهش نظام‌مندی به ارزیابی دقیق ترجمه نهج البلاغه از محمد دشتی براساس الگوی گارسس در چهار سطح پرداخته نشده است و تفاوت پژوهش حاضر نسبت به پژوهش «نقدی بر انتخاب‌های واژگانی محمد دشتی در ترجمه نهج البلاغه از منظر سطح معنایی- لغوی»

در این است که در مقاله اشاره شده تنها در یک سطح از سطوح چهارگانه گارسس به بررسی ترجمه دشتی پرداخته شده، اما نگارندگان در پژوهش حاضر، ترجمه دشتی را در هر چهار سطح و در سه حوزه افزایش، مانس و کاهش در ترجمه، مورد ارزیابی قرار داده و براساس تکنیک‌های ارزیابی کیفی ترجمه (مثبت، منفی و خنثی) سعی در معرفی سطح کیفیت ترجمه دشتی داشته‌اند.

۲. ادبیات نظری

ارزیابی یا ارزشیابی ترجمه، عملی است که به واسطه آن می‌توان دریافت متن مقصد تا چه میزان متناظر و همسو با ارزش متن مبدأ است. همچنین با انجام ارزیابی می‌توان درباره قابل چاپ و انتشار بودن یک اثر ترجمه شده اظهار نظر کرد؛ چراکه نقاط قوت و ضعف یک اثر و میزان اثربخشی آن از سوی مخاطب هنگام ارزیابی آشکار می‌شود. اهمیت و فایده ارزیابی از این جهت است که فرصتی برای مترجمان بعدی فراهم می‌آورد تا رقابت مثبت در جهت بهبود کیفیت ترجمه بیشتر شود و در ترجمه‌ها روندی صعودی به وجود آید و در نتیجه ترجمه‌هایی با کیفیت بهتر و مقبولیت بیشتر ارائه شود. بدین منظور الگوها و مدل‌های متعددی از سوی صاحب‌نظران حوزه ترجمه مطرح شده که در این پژوهش مدل گارسس به عنوان الگوی ارزیابی ترجمه نهج البلاغه انتخاب شده است.

مدل گارسس، الگویی است برای ارزیابی متون ادبی و نهج البلاغه؛ با وجود اینکه متنی دینی است، جنبه ادبی والایی نیز دارد؛ چراکه بعد از کلام خدا، کلام امیرالمومنین (ع) در اوج فصاحت و بلاغت قرار دارد.

«کارمن والرو گارسس^۱ متولد ۱۹۵۸ میلادی در اسپانیا، استاد تمام دانشگاه آلكالا در شهر مادرید است. وی دارای دکترای مطالعات زبان انگلیسی و عضو انجمن زبان‌شناسی کاربردی اسپانیا است (فرهادی، ۱۳۹۲: ۳۴). گارسس (۱۹۹۴) الگویی ترکیبی را در ارزیابی ترجمه مطرح کرده است که مرکب از الگوی پیشنهادی وینه^۲ و داربلنه^۳ (۱۹۵۸) و عقاید دیگر

1. Carmen Valero Garces
2. Vinay
3. Darblenet

صاحب‌نظران حوزه ترجمه مانند نایدا، نیومارک، دلپسل، واز که ایورا، مونن، نوبرت، سنتویو یا توری است».

الگوی گارسس، الگوی جدید و جامعی است که برای ارزیابی ترجمه ادبی به کار برده می‌شود تا ناقد ترجمه، گزینه‌های مترجم اعم از تنگناها و آزادی‌ها را بشناسد و از اظهارنظرهای مغرضانه، طرفدارانه، غیرملموس، و غیرمنطقی پرهیزد (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶: ۳۹).

گارسس برای مقایسه شباهت‌های بین متن مبدأ و متن مقصد ۴ سطح معنایی- لغوی، نحوی-واژه‌ساختی، گفتمانی-کارکردی و سطح سبکی-عملی پیشنهاد می‌کند که به گفته خود او گاهی این سطوح با هم تداخل دارند (Garces, 1994: 79-80). گارسس در این الگو، اجزای هر یک از سطوح پیشنهادی خود را به تکنیک‌های مثبت، منفی و خنثی تقسیم کرده و ارزیابی نهایی را براساس مقادیر به دست آمده از تکنیک‌های سه‌گانه با دو معیار کیفیت و مقبولیت، موردسنجش قرار می‌دهد. در ادامه به شرح اجزای این چهار سطح همراه با ذکر شواهدی از ترجمه نهج البلاغه می‌پردازیم.

ذکر این نکته ضروری است که بررسی مقایسه‌ای این ترجمه با متن اصلی در زمینه‌های ترجمه واژگان، عبارات و سبک مترجم و ارائه نمودارهایی که تفاوت‌های ترجمه را دربر می‌گیرد، می‌تواند چندین پایان‌نامه را به خود اختصاص دهد که از حوصله این مقاله خارج است، به همین جهت، این مقاله به بررسی و ارزیابی «بخشی» از ترجمه «محمد دشتی» براساس مدل گارسس می‌پردازد.

۳. نقد و ارزیابی

۳-۱. بررسی سطح معنایی- لغوی

۳-۱-۱. تعریف یا توضیح لغات برحسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زمانی
تعریف به معنای بیان واژه به صورت عبارت اسمی یا شبه جمله صفت است (Newmark, 1981: 31) و توضیح، افزودن اطلاعاتی است که بر حسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی بین مخاطب اصلی و مخاطب ترجمه ضرورت پیدا می‌کند (Garces, 1994: 80). این تکنیک فاقد نمونه در ترجمه منتخب است.

۳-۱-۲. معادل فرهنگی یا کارکردی

معادل فرهنگی یا کارکردی، یعنی واژه فرهنگی یا کارکردی زبان مبدا با مشابه آن در زبان مقصد جایگزین می‌شود (Newmark, 1981: 32). این دو روش ترجمه، معمولاً واژه زبان مبدا را عام یا فرهنگ‌زدایی می‌کند و گاهی معانی جدیدی بدان می‌افزاید یا از آن می‌کاهد (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۶). در ادامه به بررسی نمونه‌هایی از تکنیک معادل کارکردی در ترجمه دشتی می‌پردازیم:

* وَ أَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي عَاجِلِهِمْ نُصَبُ أَعْيُنِهِمْ فِي آجَالِهِمْ (حکمت / ۷)

ترجمه: و کردار بندگان در دنیا، فردا در پیش روی آنان جلوه‌گر است.
«عاجل» به معنای «زود» (بعلبکی، ۱۳۸۸: ۲۲) است که در این عبارت «دنیا» ترجمه شده که نشانگر توانمندی و تسلط مترجم در گزینش واژگان است.

* وَ قَالَ [عليه السلام] أَقْبِلُوا ذَوِي الْمُرُوءَاتِ عَشْرَاتَهُمْ فَمَا يَعْثُرُ مِنْهُمُ عَاثِرٌ إِلَّا وَ يَدُ اللَّهِ بِيَدِهِ يَرْفَعُهُ
(حکمت / ۲۰)

ترجمه: و درود خدا بر او، فرمود: از لغزش جوانمردان در گذرید، زیرا جوانمردی نمی‌لغزد جز آنکه دست لطف خداوند، او را بلند می‌کند.
ترجمه تحت‌اللفظی ترکیب اسمی «ذَوِي الْمُرُوءَاتِ» صاحبان مروت یا صاحب مروتان ترجمه می‌شود که در دستور زبان مقصد به چنین شخصی «جوانمرد» گفته می‌شود، از این رو، مترجم، معادل کارکردی این ترکیب اسمی را در ترجمه به کار برده است.

۳-۱-۳. اقتباس (معنی نزدیک)

یکی از موضوعات بحث‌انگیز در مطالعات ترجمه، اقتباس یا همانندسازی است. درباره اقتباس تعریف‌ها و طبقه‌بندی‌های متعددی در حوزه مطالعات ترجمه ارائه شده است؛ «اقتباس» معادل‌یابی تقریبی میان مضمونی در زبان مبدا و مضمونی مشابه و یا نزدیک، به آن در زبان مقصد است که تأثیری مشابه در ذهن خواننده دارد (مرادی‌مقدم و قنسولی، ۱۳۹۰:

(۲۱۶). به اعتقاد گارسس، اقتباس یا معنای نزدیک، به کار بردن معادل جا افتاده است که در این شیوه، پیامی از طریق موقعیت مشابه انتقال می‌یابد (Garces, 1994: 81). نمونه‌هایی از کاربرد اقتباس یا معنای نزدیک در ترجمه دشتی عبارتند از:

* الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مَدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ (خطبه / ۱)

ترجمه: سپاس خداوندی را که سخنوران از ستودن او عاجزند.
«لَا يَبْلُغُ» به معنای «نمی‌رسد» است که مترجم در ترجمه این فعل، معنای نزدیک آن را به کار برده و «عاجزند» ترجمه کرده است و با گزینش این معادل خواسته اوج ناتوانی سخنوران و مداحان را در مدح و ستایش خدای تعالی، بیان کند.

* لَا يَغْشَاهُمْ نَوْمُ الْعَيُونِ (همان)

ترجمه: هیچ‌گاه خواب به چشمشان راه نمی‌یابد.
معنای عبارت این چنین است: «و خوابِ چشمانشان آن‌ها را فرا نمی‌گیرد» که دشتی در ترجمه «لَا يَغْشَاهُمْ» از معادل نزدیک آن، یعنی «راه نمی‌یابد» استفاده کرده که ضمن ادبی کردن ترجمه، مهارت و توانمندی وی را در معادل‌گزینی نشان می‌دهد.

* وَ لَا يُجْرُونَ عَلَيْهِ صِفَاتِ الْمَصْنُوعِينَ (همان)

ترجمه: و صفات پدیده‌ها را بر او روا نمی‌دارند.
«لَا يُجْرُونَ» به معنای «جاری نمی‌شود» است که در این عبارت با توجه به هم‌نشینی واژگان، ترجمه لغوی این فعل با هم‌نشینی آن با کلمه «صِفَاتِ» نامناسب به نظر می‌رسد، از این رو، مترجم از معادل «روا نمی‌دارند» بهره گرفته است.

* وَقَالَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] مَنْ جَرَى فِي عَنَانِ أَمَلِهِ عَثَرَ بِأَجَلِهِ (حکمت / ۱۹)

ترجمه: و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که در پی آرزوی خویش تازد، مرگ او را از پای در آورد.

ترجمه «جَرَى» به «تازیدن» و «عَثَرَ» به «از پای در آوردن» معنای نزدیک این دو واژه

عربی است که مترجم با کاربرد اقتباس در پی انتقال معنای کامل جمله بوده است.

۳-۱-۴. بسط نحوی

بسط یا «بسط نحوی» عبارت است از افزودن یک یا چند واژه به ترجمه برحسب ضرورت. به بیان دیگر، بسط یعنی مفهومی که در متن مبدأ به تلویح بیان شده باید در زبان مقصد، تصریح شود (Garces, 1994: 81). نیومارک^۱ (۱۹۸۸) معتقد است «این روش دقیق نیست؛ گاهی به صورت شمی انجام می‌گیرد و گاهی به صورت موردی» (Newmark, 1988: 90). از موارد بسط نحوی در ترجمه دشتی می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

* (-) الَّذِي لَا يُدْرِكُهُ (-) بَعْدُ الْهَمِّ (خطبه / ۱)

ترجمه: خدایی که افکار ژرف‌اندیش، ذات او را درک نمی‌کنند.

* وَ لَا يَنَالُهُ (-) غَوْصُ الْفِطَنِ (همان)

ترجمه: و دست غواصان دریای علوم به او نخواهد رسید.

* أَنْشَأَ الْخَلْقَ إِنْشَاءً وَ ابْتَدَأَهُ ابْتِدَاءً بَلَا (-) رَوِيَّةً أَجَالَهَا (همان)

ترجمه: خلقت را آغاز کرد و موجودات را بیافرید، بدون نیاز به فکر و اندیشه‌ای.

* جَعَلَ (-) سَفْلَاهُنَّ مَوْجًا مَكْفُوفًا وَ (-) عَلِيَّاهُنَّ سَقْفًا مَحْفُوظًا (همان)

ترجمه: آسمان پایین را چون موج مهار شده و آسمان‌های بالا را مانند سقفی استوار و بلند قرار داد.

* مِنْهُمْ (-) سُجُودٌ لَّا يَرْكَعُونَ وَ (-) رُكُوعٌ لَّا يَنْتَضِبُونَ (همان)

ترجمه: گروهی از فرشتگان همواره در سجده‌اند و رکوع ندارند و گروهی در رکوعند و یارای ایستادن ندارند.

* وَ مِنْهُمْ (-) الْحَفَظَةُ لِعِبَادِهِ وَ (-) السَّدَنَةُ لِأَبْوَابِ جَنَانِهِ (-) (همان)

ترجمه: جمعی از فرشتگان حافظان بندگان و جمعی دیگر دربانان بهشت خداوندند.

* وَ قَالَ [عليه السلام] أَقِيلُوا ذَوِي الْمُرُوءَاتِ عَثْرَاتَهُنَّ فَمَا يَعْتُرُ مِنْهُنَّ (-) عَاثِرٌ إِلَّا وَ يَدٌ (-) اللَّهُ بِيَدِهِ يَرْفَعُهُ (حکمت / ۲۰)

ترجمه: و درود خدا بر او، فرمود: از لغزش جوانمردان در گذرید، زیرا جوانمردی نمی‌لغزد جز آنکه دست لطف خداوند، او را بلند می‌کند.

در عبارات مشخص شده فوق، آوردن اسم به جای ضمیر جهت شفاف ساختن مقصود متن اصلی و نیز افزودن برخی واژه‌ها به ترجمه در حالی که معادل عربی آن‌ها در متن مبدأ وجود ندارد، تنها به منظور «تکمیل» معنای جملات در متن مقصد آورده شده است.

۳-۱-۵. قبض نحوی

قبض نحوی، عکس شیوه بسط نحوی است و آن به کار بردن یک واژه زبان مقصد است در برابر چند واژه زبان مبدأ که نظریه پردازان ترجمه هر کدام آن را اصطلاحی داده‌اند (Newmark, 1988: 90). عبارت‌های زیر نمونه‌ای از کاربرد قبض نحوی در ترجمه دشتی است:

* وَ رُوي أَنَّهُ قَالَ فِي الْعِبَارَةِ عَنْ هَذَا الْمَعْنَى أَيْضاً (حکمت / ۶)

ترجمه: و یا فرمود.

مترجم در مقابل جمله طولانی «و رُوِيَ أَنَّهُ قَالَ فِي الْعِبَارَةِ عَنْ هَذَا الْمَعْنَى أَيْضاً» جمله «و یا فرمود» را در متن مقصد آورده و تکنیک قبض نحوی را در ترجمه این واژه‌ها اعمال کرده است.

۳-۱-۶. عام برابر خاص یا برعکس

عام برابر خاص، ترجمه لغت خاص (ذات) به عام (معنی) است یا برعکس (Garces, 1994: 81) و در ترجمه دشتی فاقد نمونه است.

۳-۱-۷. ابهام

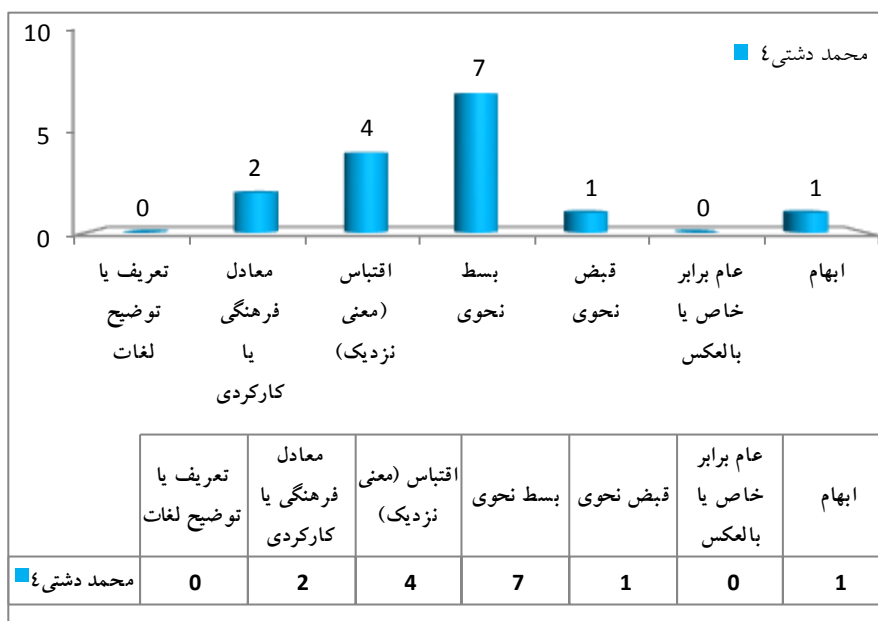
گاهی در ترجمه، ابهام پیش می‌آید که مترجم باید در رفع آن بکوشد. ابهام ممکن است عمدی باشد یا سهوی، اگر عمدی باشد باید آن را به زبان مقصد انتقال داد، اگر سهوی باشد باید آن را برطرف کرد (Newmark, 1988: 206-207) که این نوع ابهام در ترجمه دشتی نیز به چشم می‌خورد:

* اَعْجَبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانِ يَنْظُرُ بِشَحْمٍ وَ يَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ وَ يَسْمَعُ بِعَظْمٍ (حکمت / ۸)

ترجمه: از ویژگی‌های انسان در شگفت بمانید که با پاره‌ای «پی» می‌نگرد و با «گوشت» سخن می‌گوید و با «استخوان» می‌شنود.

معادل (استخوان و گوشت) در ترجمه «لَحْمٍ وَ بَعْظْمٍ» دارای ابهام است، چراکه دو معنی از آن‌ها استنباط می‌شود؛ بهتر بود مترجم در ترجمه، این دو واژه را به شکل نکره ترجمه می‌کرد و به جای حرف «با» از کلمه «به‌وسیله» استفاده می‌کرد.

نمودار (۱): سطح اول (معنایی - لغوی)



منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۳. بررسی سطح نحوی - واژه ساختی

۱-۲-۳. ترجمه تحت اللفظی

نیومارک (۱۹۸۸)، ترجمه تحت اللفظی واژه به واژه، عبارت به عبارت، همایند به همایند، شبه جمله، جمله به جمله، حتی استعاره و ضرب المثل به ضرب المثل را ممکن و مطلوب می‌داند (Newmark, 1988: 61). این در حالی است که گارسس معتقد است «وقتی این شیوه از حد فراتر رود، رفته رفته کار مشکل تر می‌شود» (Garces, 1994: 81). در ترجمه دشتی نمونه‌ای از ترجمه تحت اللفظی یافت نشد.

۳-۲-۲. ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستور گردانی

در تعاریف ترجمه -چه تلویحاً و چه تصریحاً- ترجمه را با «تغییر» ملازم دانسته‌اند؛ زیرا به ترجمه چه از دیدگاه نظری و چه از دیدگاه واقعی و عملی بنگریم، بدون تغییر امکان ندارد. تفاوت میان تعریف‌ها، تفاوت میان حدودمرزی است که برای تغییر قائل شده‌اند. در ترجمه تحت‌اللفظی، تغییر به حداقل ممکن خود می‌رسد و در ترجمه آزاد، تغییر بیان حدودمرزی ندارد.

اصطلاح تغییر را اولین بار کتفورد (۱۹۶۵) در چارچوب «نظریه زبان‌شناختی ترجمه» به کار برده است. از این دیدگاه، تغییر به سطح کلمات و نحو؛ یعنی به چارچوب جمله محدود می‌شود. از نظر کتفورد، تغییر وقتی صورت می‌گیرد که کلمه یا ساختار متن مبدأ نظیری در زبان مقصد ندارد و مترجم ناگزیر از انجام تغییر است. به عبارت دیگر، هر زبان قوانین دستوری خاصی دارد و از آنجا که مترجم باید ضرورتاً از قوانین زبان مقصد تبعیت کند در مواردی که دو زبان بر یکدیگر انطباق نمی‌یابند، تغییر اجتناب‌ناپذیر است (خزاعی فر، ۱۳۸۸: ۴۴). در تغییر نحو یا دستور گردانی نیز گاهی مترجم ناگزیر است اجزای کلام را تغییر دهد و اصولاً ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستور گردانی وقتی انجام می‌گیرد که:

- ۱- ساختار دستوری مشابه در زبان مقصد وجود نداشته باشد.
 - ۲- ترجمه تحت‌اللفظی امکان‌پذیر باشد، اما طبیعی جلوه نکند.
 - ۳- خلأ واژگانی موجود با ساخت نحوی جبران‌پذیر باشد (Newmark, 1988: 85-88).
- عبارت‌های زیر نمونه‌هایی از تغییر نحو در ترجمه دشتی است؛ این شیوه (تغییر نحو) در الگوی گارسس تکنیک مثبت به شمار می‌آید ((Garces, 1994: 89) که اغلب مترجمان مقصد‌گرا آن را جهت سلیس و روان بودن ترجمه خود به کار می‌گیرند:

الف- تبدیل مصدر به فعل در ترجمه:

* لَشَهَادَةِ كُلِّ صِفَةٍ آَنَهَا غَيْرِ مَوْصُوفٍ وَ شَهَادَةِ كُلِّ مَوْصُوفٍ أَنَّهُ غَيْرُ الصِّفَةِ (خطبه / ۱)

ترجمه: هر صفتی نشان می‌دهد که غیر از موصوف و هر موصوفی گواهی می‌دهد که غیر از صفت است.

ب- تبدیل فعل به مصدر در ترجمه:

* وَ مَنْ قَرَنَهُ فَقَدْ تَنَاهُ (همان)

ترجمه: و با نزدیک کردن خدا به چیزی، دو خدا مطرح شده.

* وَ مَنْ تَنَاهُ فَقَدْ جَزَاهُ (همان)

ترجمه: و با طرح شدن دو خدا، اجزایی برای او تصور نمود.

* وَ مَنْ جَزَاهُ فَقَدْ جَهَلَهُ (همان)

ترجمه: و با تصور اجزا برای خدا، او را نشناخته است.

ج- تبدیل حرف به فعل در ترجمه:

* وَقَالَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] مَا كُلُّ مَفْتُونٍ يُعَاتِبُ (حکمت / ۱۵)

ترجمه: درود خدا بر او، فرمود: هر فریب‌خورده‌ای را نمی‌شود سرزنش کرد.

د- تبدیل لای نفی جنس به فعل تام در ترجمه:

* وَلَا وَقْتُ مَعْدُودٌ وَلَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ (خطبه / ۱)

ترجمه: و برای خدا وقتی معین و سرآمدی مشخص نمی‌توان تعیین کرد.

ه- تبدیل فعل به اسم فاعل در ترجمه:

* وَلَا هَمَامَةٌ نَفْسٍ اضْطَرَبَ فِيهَا (همان)

ترجمه: و یا تصمیمی مضطرب در او راه داشته باشد.

و- تبدیل فعل به گروه اسمی در ترجمه:

* وَ مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخَطُ عَلَيْهِ (حکمت / ۶)

ترجمه: و انسان از خود راضی، دشمنان او فراوانند.

ز- تبدیل گروه اسمی به موصوف و صفت در ترجمه:

* فَمَلَأَهُنَّ أَطْوَاراً مِنْ مَلَائِكَتِهِ (خطبه / ۱)

ترجمه: و از فرشتگان گوناگون پر نمود.

ح- تبدیل گروه اسمی به جمله:

* وَ لَا سَهُوُ الْعُقُولِ (همان)

ترجمه: و عقل‌های آنان دچار اشتباه نمی‌گردد.

* وَ لَا فَتْرَةَ الْأَبْدَانِ (همان)

ترجمه: بدن‌های آنان دچار سستی نشده.

* وَ لَا غَفْلَةَ النَّسِيَانِ (همان)

ترجمه: و آنان دچار بی‌خبری برخاسته از فراموشی نمی‌شوند.

ط- جابه‌جایی موصوف و صفت در ترجمه:

* وَ مِنْهُمْ الثَّابِتَةُ فِي الْأَرْضِينَ السُّقْلَى أَقْدَامُهُمْ (همان)

ترجمه: بعضی از آن‌ها پاهایشان در طبقات پایین زمین قرار داشته.

ی- جابه‌جایی جمله اول و دوم در ترجمه:

* عَالِمًا بِهَا قَبْلَ ابْتِدَائِهَا مُحِيطًا بِحُدُودِهَا وَ انْتِهَائِهَا عَارِفًا بِقِرَائِنِهَا وَ أَحْنَائِهَا (همان)

ترجمه: خدا پیش از آنکه موجودات را بیافریند از تمام جزئیات و جوانب آن‌ها آگاهی

داشت و حدود و پایان آن‌ها را می دانست.

ک- جابه‌جایی مضاف و مضاف الیه در ترجمه:

* وَ قَالَ [عليه السلام] أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اِكْتِسَابِ الْاِخْوَانِ وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ (حکمت / ۱۲)

ترجمه: و درود خدا بر او، فرمود: ناتوان‌ترین مردم کسی است که در دوست‌یابی ناتوان است و از او ناتوان‌تر آنکه دوستان خود را از دست بدهد.

۳-۲-۳. ترجمه از طریق تغییر دیدگاه یا «دگربینی»

اصطلاح «دگربینی» از وینی و داربلنه است و به مفهوم «تغییر از طریق اختلاف طرز تلقی و بیشتر طرز تفکر به کار می‌رود. کاربرد آن در مواردی است که زبان مقصد ترجمه تحت‌اللفظی را بر نمی‌تابد» (Newmark, 1988: 88). «وینه، داربلنه و واز که ایورا، بیش از ۱۰ مورد تغییر دیدگاه را برمی‌شمارند و از جمله این موارد عبارت است از: بیان اسم ذات به جای اسم معنی، بیان وسیله به جای نتیجه، بیان از طریق یک حس به جای حس دیگر، بیان معلوم به جای مجهول، بیان عبارت دو بار منفی به عبارت مثبت و برعکس» (Garces, 1994: 82). نیومارک معتقد است «... اصولاً عبارت دو بار منفی تأثیر عبارت مثبت را ندارد و فی‌الواقع تأثیر آن به لحن و زمینه وابسته است ... وقتی خلأ واژگانی وجود داشته باشد، تغییر دیدگاه الزامی است» (Newmark, 1988: 88). دگربینی‌های دیگری نیز وجود دارد، مثل علایق گوناگون مجاز، کل به جز، جز به کل، حال به محل، ظرف به مظروف، خصوص به عموم، عموم به خصوص، مسبب به سبب، کان و ما یکون، لازم و ملزوم و... که برای پرهیز از درازگویی از ذکر آن‌ها درمی‌گذریم (ماندی، ۱۳۸۴: ۷۰-۷۱). در ادامه به نمونه‌هایی از تغییر دیدگاه که در الگوی گارسس امری است مثبت، در ترجمه دشتی اشاره می‌شود:

* وَ تَدَّ بِالصُّخُورِ مِيدَانَ أَرْضِهِ (خطبه / ۱)

ترجمه: و به وسیله کوه‌ها اضطراب و لرزش زمین را به آرامش تبدیل کرد. (بیان نتیجه به جای وسیله در ترجمه)؛ در این عبارت، مترجم محکم شدن زمین به وسیله سنگ‌ها را نتیجه آرام بودن زمین می‌داند.

* وَ مَنْ قَرَنَهُ فَقَدْ تَنَاهُ (همان)

ترجمه: و با نزدیک کردن خدا به چیزی، دو خدا مطرح شده. (تبدیل فعل مجهول در ترجمه)

* لَا ظَهْرٌ فِيرُكْبٍ وَ لَا ضَرْعٌ فَيُحَلَبُ (حکمت / ۱)

ترجمه: نه پشتی دارد که سواری دهد و نه پستانی تا او را بدوشند. (تبدیل فعل‌های مجهول به معلوم در ترجمه)

* وَ قَالَ [عليه السلام] إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ (حکمت / ۱۱)

ترجمه: و درود خدا بر او، فرمود: اگر بر دشمنت دست یافتی، بخشیدن او را شکرانه پیروزی قرار ده. بیان وسیله به جای نتیجه؛ چرا که «دست» وسیله و ابزار قدرت و توانایی است.

* وَ قَالَ [عليه السلام] إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النَّعْمِ فَلَا تُتَفَرَّوْا أَقْصَاهَا بِقَلَّةِ الشُّكْرِ (حکمت / ۱۳)

ترجمه: و درود خدا بر او، فرمود: چون نشانه‌های پروردگار آشکار شد، با ناسپاسی نعمت‌ها را از خود دور نسازید. تغییر جزء به کل؛ چون گوشه‌های نعمت جزئی از نشانه‌های پروردگار است و نشانه‌های پروردگار می‌تواند شامل انواع عذاب و غیرنعمت نیز باشد.

* وَ قَالَ [عليه السلام] مَنْ ضَيَّعَهُ الْأَقْرَبُ أُتِيحَ لَهُ الْأَبْعَدُ (حکمت / ۱۴)

ترجمه: و درود خدا بر او، فرمود: کسی را که نزدیکانش واگذارند، بیگانه او را پذیرا می‌گردد. (تغییر فعل مجهول به معلوم در ترجمه)

* وَ قَالَ [عليه السلام] تَذَلُّ الْأُمُورُ لِلْمَقَادِيرِ حَتَّى يَكُونَ الْحَتْفُ فِي التَّدْبِيرِ (حکمت / ۱۶)
ترجمه: و درود خدا بر او، فرمود: کارها چنان در سیطره تقدیر است که چاره‌اندیشی به مرگ می‌انجامد. (بیان معلول به جای علت)

* وَ سُئِلَ [عليه السلام] عَنْ قَوْلِ الرَّسُولِ (ص)... (حکمت / ۱۷)
ترجمه: از امام پرسیدند که رسول خدا (ص) فرمود... (تبدیل فعل مجهول به معلوم در ترجمه).

* وَ قَالَ [عليه السلام] مَنْ جَرَى فِي عِنَانِ أَمَلِهِ عَثَرَ بِأَجَلِهِ (حکمت / ۱۹)
ترجمه: و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که در پی آرزوی خویش تازد، مرگ او را از پای در آورد. بیان کل به جزء در ترجمه؛ «عثر بأجله» یعنی اجل و مرگ او را بر زمین می‌زند؛ درحالی که مترجم فقط «از پای در آوردن» را معادل مرگ تمام اعضاء ذکر کرده است.

۳-۲-۴. ترجمه از طریق جبران

ترجمه از طریق جبران عبارت است از جبران افت معنی، لفظ یا صناعات ادبی یا تاثیر عملی در قسمت دیگر جمله یا جمله مجاور (Newmark, 1988: 90) که در ترجمه دشتی، نمونه‌ای برای آن یافت نشد.

۳-۲-۵. ترجمه از طریق توضیح یا بسط معنی

ترجمه از طریق توضیح یا بسط معنی به گفته گارسس «توضیح یا بسط معنی قسمتی از متن که باید در متن مقصد تصریح شود» است (Garces, 1994: 82). این بسط معنوی مثل بسط و قبض نحوی، گاهی به صورت شمی و حسی انجام می‌گیرد و گاهی به صورت موردی، بسط و قبض خاص همه زبان‌ها است (Newmark, 1988: 94). بنابراین، تغییراتی که در ترجمه صورت می‌گیرد تنها به کلمه و ساختار متن مبدأ مربوط نمی‌شود، بلکه تغییراتی در سطحی وسیع‌تر از کلمه و ساختار را نیز دربر می‌گیرد.

پوپوویچ (۱۹۷۰) مفهوم تغییر را در سطحی وسیع‌تر تعریف می‌کند. وی بیشتر به ترجمه ادبی نظر دارد و می‌گوید «در ترجمه آنقدر جرح و تعدیل یا دخل و تصرف صورت می‌گیرد که انسان گاه در اعتقاد خود به ممکن بودن ترجمه تردید می‌کند». این تغییرات و جرح و تعدیل‌ها از نظر پوپوویچ در نتیجه تمایل مترجم به تغییر متن اصلی یا در نتیجه بی‌دقتی، بی‌اطلاعی و بی‌سوادی مترجم ایجاد نمی‌شود، بلکه حاصل تلاش آگاهانه مترجم برای بازآفرینی هرچه وفادارانه‌تر متن اصلی در کلیت آن است. یکی از تغییراتی که در این حوزه صورت می‌گیرد، تصریح است؛ تصریح وقتی صورت می‌گیرد که اطلاعات متن مبدأ با صراحت و وضوح بیشتری به ترجمه انتقال می‌یابد. مترجم گاه توضیحی به متن می‌افزاید یا مقصود گوینده را که به اشاره بیان شده آشکار می‌کند یا از حرف ربط استفاده می‌کند تا ارتباط منطقی روشن‌تری بین اجزای جمله یا جملات برقرار کند؛ این نوع تغییر عموماً بر رعایت حال خواننده ترجمه صورت می‌گیرد (خزاعی‌فر، ۱۳۸۸: ۴۸-۴۹). گفتنی است بسط یا افزایشی که در این تکنیک اتفاق می‌افتد تنها به علت وضوح معنای متن مبدأ است که مترجم حتی در کاربرد حجم کلمات نیز محدودیتی ندارد، حال آنکه افزایش در بسط نحوی تنها به دلیل ضرورت انجام می‌گیرد و استفاده بیش از نیاز جمله از آن در این تکنیک به پرگویی می‌انجامد که این خود نوعی تکنیک منفی در ترجمه محسوب می‌شود.

ترجمه دشتی از ویژگی تکنیک بسط معنایی برخوردار است؛ عبارات زیر نمونه‌ای از تصریح یا بسط معنا در ترجمه ایشان است:

* وَ اِبْتِدَاَهُ اِبْتِدَاءً (-) (خطبه / ۱)

ترجمه: خلقت را آغاز کرد و موجودات را بیافرید.

* وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ (-) اِلَّاخْلَاصُ لَهُ (همان)

ترجمه: و کمال توحید «شهادت بر یگانگی خدا» اخلاص...

* فَمَنْ وَصَفَ اللّٰهَ (-) سُبْحَانَهُ فَقَدْ قَرَنَهُ (-) (همان)

ترجمه: پس کسی که خدا را با صفت مخلوقات تعریف کند او را به چیزی نزدیک کرده.
* أَحَالَ (-) الْأَشْيَاءَ لِأَوْقَاتِهَا (همان)

ترجمه: برای پدید آمدن موجودات، وقت مناسبی قرار داد.

* ثُمَّ (-) زَيْنَهَا بِرَبِّنَةِ الْكَوَاكِبِ وَ ضِيَاءِ الثَّوَابِقِ (همان)

ترجمه: آنگاه فضای آسمان پایین را به وسیله نور ستارگان درخشنده زینت بخشید.

* وَ أَجْرَى فِيهَا سِرَاجاً (-) مُسْتَطِيرًا وَ قَمَرًا مُنِيرًا (-) فِي فَلَكٍ دَائِرٍ (-) (همان)

ترجمه: و در آن چراغی روشنایی بخش (خورشید) و ماهی درخشان، به حرکت در آورد که همواره در مدار فلکی گردنده و برقرار است.

* وَ مِنْهُمْ أُمَّنَاءٌ عَلَى وَحْيِهِ وَ السِّنَّةُ إِلَى رُسُلِهِ وَ مُخْتَلِفُونَ بِقَضَائِهِ وَ أَمْرِهِ (همان)

ترجمه: برخی از فرشتگان، امینان وحی الهی و زبان گویای وحی برای پیامبران می‌باشند که پیوسته برای رساندن حکم و فرمان خدا در رفت و آمدند.

* وَ قَالَ [عليه السلام] إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النَّعْمِ (-) فَلَا تُتَفَرَّوْا أَقْصَاهَا بِقَلْبَةِ الشُّكْرِ (حکمت / ۱۳)

ترجمه: و درود خدا بر او، فرمود: چون نشانه‌های نعمت پروردگار آشکار شد با ناسپاسی نعمت‌ها را از خود دور نسازید.

* وَ سُئِلَ [عليه السلام] عَنْ قَوْلِ الرَّسُولِ صَ غَيْرُوا الشَّيْبَ وَ لَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ فَقَالَ عَ إِنَّمَا قَالَ (ص) ذَلِكَ (-) وَ الدِّينُ قُلٌّ (-) فَأَمَّا الْآنَ وَ قَدْ اتَّسَعَ نَطَاقُهُ (-) وَ ضَرَبَ بِجِرَانِهِ فَأَمْرُ (-) وَ مَا اخْتَارَ (حکمت / ۱۷)

ترجمه: از امام پرسیدند که رسول خدا (ص) فرمود: موها را رنگ نکنید و خود را شبیه یهود نسازید یعنی چه؟ پیامبر این سخن را در روزگاری فرمود که پیروان اسلام اندک

بودند، اما امروز که اسلام گسترش یافته و نظام اسلامی استوار شده، هر کس آنچه را دوست دارد، انجام دهد.

۳-۲-۶. ترجمه از طریق تلویح، تقلیل و حذف

ترجمه از طریق تلویح، تقلیل و حذف؛ یعنی عناصری که در متن اصلی تصریح شده می‌توان به تلویح بیان کرد یا کاهش داد و یا به طور کلی حذف کرد (Garces, 1994: 149). نیومارک می‌نویسد: «مترجم باید در قبال هر کلمه‌ای که از متن اصلی حذف می‌کند، پاسخگو باشد» (Newmark, 1981: 169). در عباراتی که می‌آید عدم ترجمه کلمه یا کلماتی از سوی مترجم صورت گرفته است که این امر در نظر گارسس تکنیکی است منفی و مترجم باید نسبت به ترجمه متون موثق و معتبر، امانت‌دار باشد:

* وَ مَنْ أَشَارَ إِلَيْهِ فَقَدْ حَدَّهُ وَ مَنْ حَدَّهُ فَقَدْ عَدَّهُ (خطبه / ۱)

ترجمه: و هر کس به سوی خدا اشاره کند، او را محدود کرده به شمارش آورده. (عدم ترجمه «و مَنْ حَدَّهُ» در زبان مقصد)

* وَ سَمَكًا مَرْفُوعًا بَغَيْرِ عِمْدٍ يَدْعُمُهَا (همان)

ترجمه: مانند سقفی استوار و بلند قرار داد بی‌آنکه نیازمند به ستونی باشد. (عدم ترجمه کلمه «يَدْعُمُهَا» در زبان مقصد)

* وَ الْمَارِقَةُ مِنَ السَّمَاءِ الْعُلْيَا أَعْنَاقُهُمْ (همان)

ترجمه: و گردن‌هاشان از آسمان فراتر. (عدم ترجمه صفت «الْعُلْيَا» در زبان مقصد)

* فَقَالَ: أَنْكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (همان)

ترجمه: و فرمود: تا روز رستاخیز مهلت داده شدی. (عدم ترجمه «ان» در متن مقصد) مثال ذکر شده آیه قرآنی است که مترجم باید به اقتباس‌های قرآنی در متن مبدأ، توجه کرده و بدون کم یا زیاد کردن به ترجمه آن پردازد و موجب از بین رفتن تأکید کلام نشود.

* فَقَالَ سُبْحَانَهُ (اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ) (همان)

ترجمه: و فرمود: «بر آدم سجده کنید پس فرشتگان همه سجده کردند جز شیطان» (حذف ترجمه «سُبْحَانَهُ» در متن مقصد)

۳-۲-۷. ترجمه از طریق تغییر نوع جمله

گاهی به ضرورت یا به اشتباه نوع جمله عوض می‌شود (Garces, 1994: 149) که در این مورد نیز نمونه‌ای در ترجمه دشتی یافت نشد.

نمودار (۲): سطح دوم (سطح نحوی - واژه ساختی)



تغییر در نوع جمله	تلویح، تقلیل، حذف	توضیح یا بسط معنی	جبران	تغییر دیدگاه یا دگرپینی	تغییر نحو یا دستورگردانی	ترجمه تحت اللفظی
0	5	9	0	9	15	0

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۳. بررسی سطح سوم (گفتمانی - کارکردی)

سطح سوم، شامل تکنیک‌های حذف منظور (تعهدات) متن اصلی^۱، حذف حواشی^۲، تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی، تغییر لحن^۳، تغییر ساختار درونی متن مبدأ، تعدیل (کاهش) اصطلاحات محاوره‌ای^۴ است که به غیر از مورد سوم، دیگر موارد در جامعه آماری پژوهش حاضر فاقد نمونه هستند.

۳-۳-۱. تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی

جوری لاتمن^۵ همچون ساپیرو^۶ بر این باور است که «هیچ زبانی وجود ندارد، مگر اینکه در زمینه فرهنگ غوطه‌ور است و هیچ فرهنگی نمی‌تواند وجود داشته باشد که در مرکز خود ساخت زبان طبیعی را نداشته باشد» (McGuire, 1991: 140). پیتیر نیومارک،^{۱۲} روش را برحسب زمینه برای ترجمه پیشنهاد می‌کند که یکی از این ۱۲ روش؛ یعنی «فرهنگ‌زدایی به معنای آوردن معادل کارکردی یا توصیفی» در بخش‌های انتخابی ترجمه دشتی ملاحظه می‌شود:

- فرهنگ‌زدایی به معنی آوردن معادل کارکردی یا توصیفی (Newmark, 1988: 103):

* عَارِفًا بِقَرَائِنِهَا وَ أَحْنَائِنَهَا (خطبه / ۱)

ترجمه: و به اسرار درون و بیرون پدیده‌ها، آشنا بود.

۱. گاهی ممکن است در ترجمه چنان تغییری حاصل شود که مقصود متن اصلی تغییر کند، مثلاً یک متن طنزآمیز تبدیل به متنی سرگرم‌کننده شود (Newmark, 1988: 212).

۲. عبارت است از حذف پانوشت‌ها، پیشگفتارها، ضمیمه‌ها، مقدمات، مؤخرات، توضیحات و... (Newmark, 1988: 117).

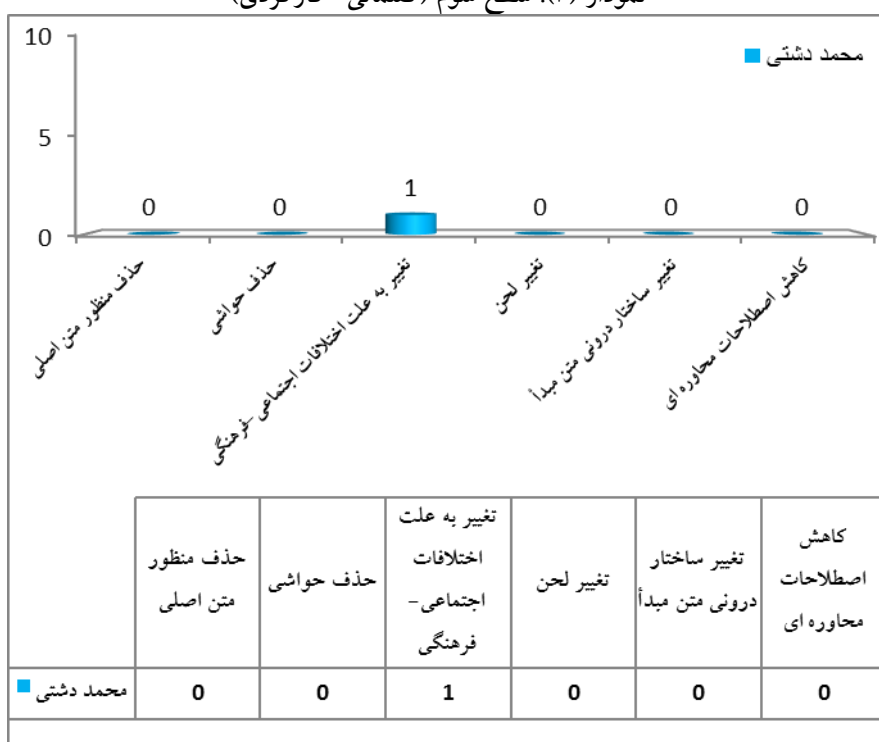
۳. حفظ لحن یکی از ارکان تاثیر ارتباطی است و باید از طریق زمان، وجه، بنا، واژگان و نحو آن را حفظ کرد (Garces, 1994: 83).

۴. یعنی کاستن از اصطلاحات محاوره‌ای (Garces, 1994: 83).

5. Juri lotman
6. Sapiru

در نمونه فوق، معادل کارکردی دو کلمه «بِقَرَأَتِهَا وَ أَحْنَائِهَا» در زبان مقصد آمده است؛ چرا که «قَرَأَتِهَا» به «اسرار بیرون» و «أَحْنَائِهَا» به «اسرار درون» ترجمه شده است.

نمودار (۳): سطح سوم (گفتمانی - کارکردی)



منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۴. بررسی سطح چهارم (سبکی - عملی)

۳-۴-۱. بسط خلاقه

بسط خلاقه عبارت است از تغییرات ظریف و زیبایی که مترجم مطابق ذوق و پسند خود به وجود می‌آورد. مترجم ممکن است سبکی را برگزیند که «برای او طبیعی‌تر است یا میل او

را اقتناع می‌کند» (Garces, 1994: 83). بسط خلاقه ممکن است در ترجمه متون ادبی و غیرادبی اعمال شود:

* حَتَّى عَبَّ عَبَابُهُ وَ رَمَى بِالزَّيْدِ رُكَامَهُ (خطبه / ۱)

ترجمه: تا آنجا که آب‌ها روی هم قرار گرفتند و چون قلّه‌های بلند کوه‌ها بالا آمدند.

* بَصِيرٌ إِذْ لَا مَنْظُورَ إِلَيْهِ مِنْ خَلْقِهِ (همان)

ترجمه: بیناست حتی در آن هنگام که پدیده‌ای وجود نداشت.

* وَ سَكَاةَكَ الْهَوَاءَ (همان)

ترجمه: و هوای به آسمان و زمین راه یافته را آفرید.

* وَ قَرْنَهَا إِلَى حِدَّةِ الْهَوَاءِ مِنْ تَحْتِهَا فَتِيقٌ وَ الْمَاءُ مِنْ فَوْقِهَا دَفِيقٌ (همان)

ترجمه: و حد و مرز آن را به خوبی تعیین فرمود. فضا را در زیر تند باد و آب بر بالای آن در حرکت بود.

مترجم در ترجمه عبارات فوق، براساس ذوق و سلیقه خود عمل کرده است. به عبارت دیگر، بسط خلاقه را در ترجمه خویش اعمال کرده است؛ «دلیل این بسط دادن متن ترجمه از سوی مترجم ممکن است به منظور ساده‌سازی متن، شفاف‌سازی عبارت ناآشنای مقید به فرهنگ و یا عدم توانایی مترجم در ارائه مختصرترین معادل موجود باشد» (سیدجلالی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۴). این نوع بسط در ترجمه از نظر گارسس، امری منفی است (Garces, 1994: 89).

۳-۴-۲. اشتباه مترجم

اشتباه مترجم ناشی از بدفهمی یا کم‌دانی مترجم در زبان مبدأ و مقصد یا موضوع ترجمه است. گارسس می‌گوید: «چون زبان بیانگر فرهنگ است، مترجم باید دو فرهنگ باشد، نه دو زبانه» (Garces, 1994: 83). در ادامه به نمونه‌ای از این نوع اشتباه اشاره می‌شود:

* وَ رُكُوعٌ لَّا يَنْتَصِبُونَ (خطبه / ۱)

ترجمه: و گروهی در رکوع‌اند و یارای ایستادن ندارند.

واژه «نصب- ینتصب» یا به معنای «راست شدن و ایستادن» است (بعلبکی، ۱۳۸۸: ۱۵۷ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷: ۱۹۰) و یا به معنای «خسته شدن و به درد آمدن» (معلوف، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۹۴۰). به نظر می‌رسد شاهد مثال فوق به درستی معنا نشده است؛ گویا منظور مترجم این است که فرشتگان از شدت خستگی، قادر به ایستادن نیستند حال آنکه مقصود گوینده این نیست و بهتر است «لا ینتصبون» در این جمله به معنای «خسته نمی‌شوند» ترجمه شود که در این صورت ترجمه پیشنهادی جمله به این شکل خواهد بود:
- ترجمه پیشنهادی: و گروهی (از فرشتگان) در رکوع‌اند و (هرگز) خسته نمی‌شوند.
توضیح اینکه فرشتگان در هیچ حال از نیایش و عبادت خداوند خسته نمی‌شوند؛ این معنا با توجه به جملات بعدی در خطبه یک نیز دریافت می‌شود.

۳-۴-۳. حفظ اعلام

مترجم در برخورد با اسامی خاص روش‌هایی را در پی می‌گیرد:
الف- گاهی اسم خاص را ترجمه می‌کند. ب- گاهی مستقیماً به متن مقصد انتقال می‌دهد و ج- در مواردی به همراه معنی یا توضیح می‌آورد (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶: ۲۷-۲۸). در ادامه به بررسی نمونه‌هایی از حفظ اعلام در ترجمه انتخابی پرداخته شده است.

الف- ترجمه اسم خاص (جایگزین کردن معنای خاص کلمه با معنای عام)

* الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَّا يَبْلُغُ مَدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ (خطبه / ۱)

ترجمه: سپاس خداوندی را که سخنوران از ستودن او عاجزند.

* فَقَالَ سُبْحَانَہُ (اسجدوا لآدم فسجدوا إلیٰ إبلیس) (همان)

ترجمه: و فرمود: «بر آدم سجده کنید پس فرشتگان همه سجده کردند جز شیطان».

ب- انتقال مستقیم اسم خاص

* ثُمَّ أَسْكَنَ سُبْحَانَهِ آدَمَ دَاراً (همان)

ترجمه: سپس خداوند آدم (ع) را در خانه‌ای مسکن داد.

* أَنْ بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهِ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (همان)

ترجمه: خدای سبحان، حضرت محمد (که درود خدا بر او باد) را مبعوث کرد.

۳-۴-۴. حفظ ساختار خاص متن مبدأ

«اغلب مترجمان کم تجربه جادوی نحو زبان مبدأ می‌شوند و آن را در زبان مقصد منعکس می‌نمایند» (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶: ۲۸). برای این مورد نیز نمونه‌ای در ترجمه منتخب یافت نشد.

۳-۴-۵. بیان نامناسب در متن مقصد

هر اصطلاح ۵ جنبه مختلف معنایی دارد: ۱- معنای مجازی، ۲- معنای تحت‌اللفظی، ۳- ویژگی‌های عاطفی، ۴- خصوصیات سبکی و ۵- رنگ و بوی ملی و قومی که هر یک در انتخاب معادل مناسب، قیودی را بر مترجم تحمیل می‌کند (تجلی، ۱۳۶۸: ۱۰۵). این مساله می‌تواند به محتوای متن اصلی لطمه وارد سازد و به بدفهمی در متن ترجمه بینجامد. در ادامه به نمونه‌ای از بیان نامناسب در ترجمه دشتی اشاره می‌شود:

* تَرُدُّ أَوْلَهُ إِلَى آخِرِهِ (خطبه ۱)

ترجمه: از اوّل آن بر می‌داشت و به آخرش می‌ریخت.

در جمله فوق ترجمه مناسبی از سوی مترجم صورت نگرفته است؛ چراکه از مهم‌ترین نکات مربوط به ترجمه، گزینش جمله مناسب با مفهوم صریح در زبان مقصد است. به همین علت، مترجم باید شناخت کامل از زبان مبدأ در حوزه محتوای متن و بسیاری از

موارد دیگر داشته باشد تا بتواند مناسب‌ترین جمله را در زبان مقصد جایگزین کند و مخاطب فهم دقیقی از معنای عبارت متن مبدأ به دست آورد. بنابراین، بهتر است چنین ترجمه شود:

- ترجمه پیشنهادی: آب را در هم می‌آمیخت.

۳-۴-۶. پرگویی در برابر ساده‌گویی

پرگویی یا ترجمه آزاد، آخرین چاره مترجم است (Garces, 1994: 83). نیومارک معتقد است این شیوه «معمولاً در ترجمه متون بی‌نام و گمنام و کم‌مایه که نویسنده مشهور و مهمی ندارند یا نوشته‌هایی که پر از حذفیات و تلویحات جدی است، به کار می‌رود» (Newmark, 1988: 90). این مورد فاقد نمونه در بخش‌های انتخابی ترجمه است.

۳-۴-۷. تغییر در صناعات بدیعی به خصوص استعاره

مترجم باید تشخیص دهد که چه تعداد از آرایه‌ها را نگاه دارد، چه تعداد را حذف کند و چه تعداد را تغییر دهد (Garces, 1994: 85). نمونه‌ای از ترجمه آرایه تشبیه در ترجمه دشتی به صورت زیر است:

* وَالْاِحْتِمَالُ قَبْرُ الْعُيُوبِ (حکمت / ۶)

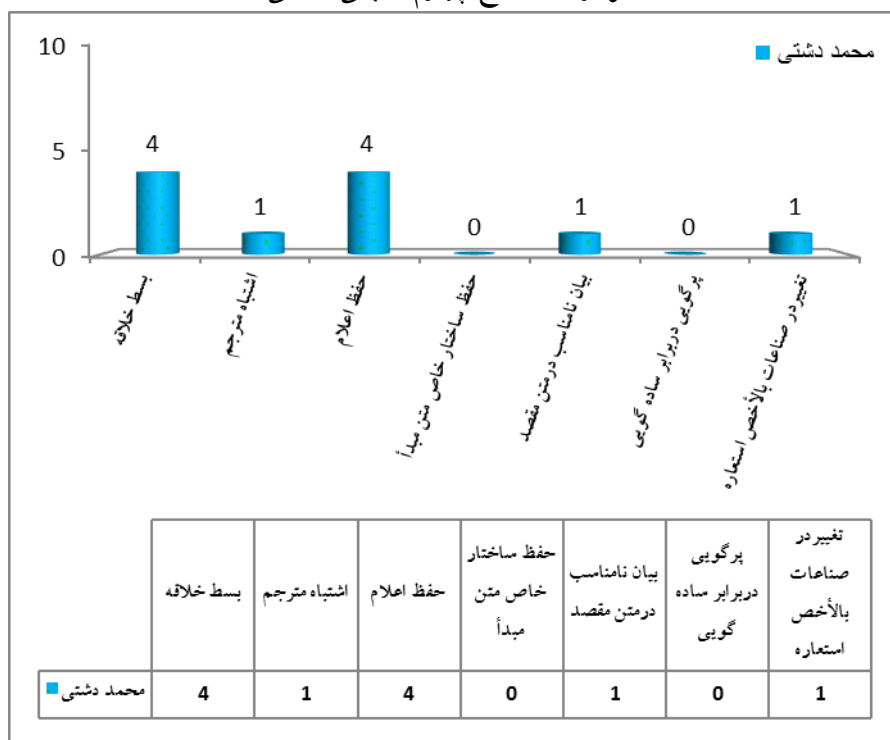
ترجمه: و شکیبایی، گورستان پوشاننده عیب‌هاست.

مترجم در ترجمه نمونه فوق نباید «قَبْرُ الْعُيُوبِ» را به شکل (گورستان پوشاننده عیب‌ها) ترجمه می‌کرد؛ چرا که تلاش ذهنی مخاطب جهت دریافت این شباهت کمتر شده و با بیان کامل معنای تشبیه، لذت درک این آرایه از مخاطب گرفته شده است.

- ترجمه پیشنهادی: صبر و شکیبایی گورستان عیب‌هاست.

کلمه «پوشاننده» که وجه شبه این تشبیه است نباید در ترجمه ذکر شود، چون تشبیه موجود در عبارت از نوع تشبیه بلیغ است که بدون وجه شبه ذکر شده تا زیبایی و تاثیر کلام دو چندان شود.

نمودار (۴): سطح چهارم (سبکی - عملی)



منبع: یافته‌های پژوهش

گارسس همه تکنیک‌های نامبرده در چهار سطح را از دیدگاه دیگر به سه گروه عمده که هر نوع ترجمه‌ای را دربر می‌گیرد، تقسیم می‌کند:

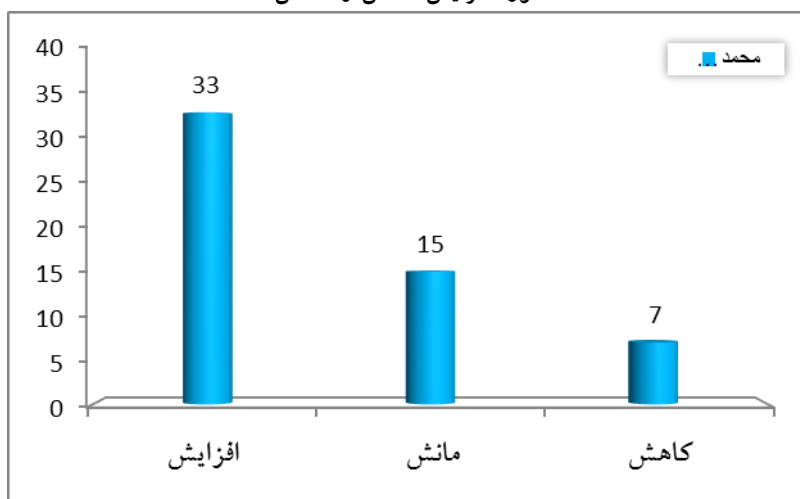
- افزایش^۱
- مانس (حفظ)^۲
- کاهش^۳.

1. Addition
2. Conservation
3. Suppression

در حیطه افزایش، تکنیک‌هایی که به بسط اطلاعات داده شده در متن مبدأ می‌پردازند، عبارتند از: تعریف، بسط، دستور گردانی، دگر بینی، توضیح، تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی- فرهنگی، تغییر در ساخت درونی متن مبدأ بسط خلاقه و تفصیل^۱. تکنیک‌هایی که در حوزه مانس (حفظ) اطلاعات می‌گنجد، عبارتند از: معادل فرهنگی، اقتباس، ابهام، ترجمه قرضی، ترجمه تحت‌اللفظی، جبران، تغییر نوع جمله، نارسایی در معادل، تغییر لحن، حفظ اسامی خاص و ساختارهای خاص متن مبدأ و تکنیک‌هایی که کاهش را دربر می‌گیرند، عبارتند از: کاهش، حذف، حذف بن‌مایه متعهدانه، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف، اشتباه یا ساده‌انگاری مترجم (Garces, 1994: 85). نمودار (۵) مقادیر به دست آمده از ارزیابی ترجمه دشتی را در سه حوزه (افزایش، مانس و کاهش) نشان می‌دهد.

نمودار (۵): مقادیر به دست آمده از ارزیابی (ترجمه خطبه یک و حکمت‌های ۱ تا ۲۰) در سه

حوزه افزایش، مانس و کاهش



منبع: یافته‌های پژوهش

سه حوزه افزایش، مانس (حفظ) و کاهش در ارزیابی ترجمه، بیانگر عملکرد مترجم در برخورد با حجم ترجمه متن مبدأ است که مقادیر به دست آمده در نمودار (۵) نشان می‌دهد ترجمه دشتی در حوزه افزایش با ۳۳ مورد، بسامد بیشتری دارد که علت این امر را می‌توان در بلاغت کلام امیر (ع) و تفاوت زبانی متن مبدأ و مقصد دانست و از آنجایی که مهم‌ترین رسالت مترجم انتقال کامل معنا و مفهوم متن مبدأ است، از این رو، سعی مترجم در توضیح و تفسیر واژگان و جملات بوده تا ترجمه‌ای صریح و عاری از هرگونه تکلف و ابهام به مخاطبان فارسی‌زبان عرضه دارد که همین امر منجر به افزایش حجم ترجمه نسبت به حجم متن مبدأ شده است. در حوزه مانس که مربوط به حفظ اطلاعات متن مبدأ است با ۱۵ مورد و حوزه کاهش که به کاهش اطلاعات منجر می‌شود با ۷ مورد، مترجم تاحدودی عملکرد بهتری داشته است (جدول (۱)).

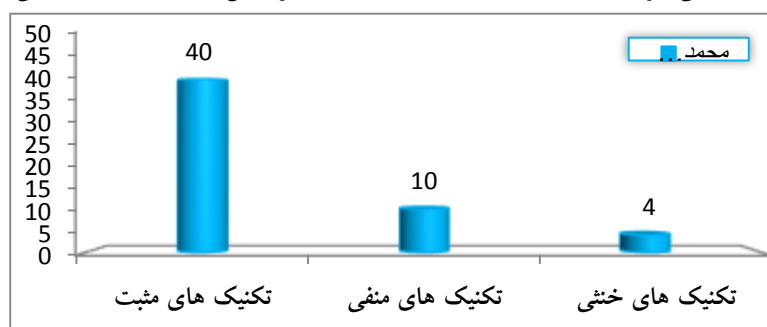
پس از مطالعه چهار سطح زبانی در هر ترجمه و لحاظ کردن سه گروه افزایش، مانس و کاهش، تکنیک‌ها براساس الگوی گارسس به سه دسته مثبت، منفی و خنثی تقسیم می‌شود (جدول (۱)). پس از ارزیابی و رسم نمودار در هر سطح برای نشان دادن بهتر عملکرد مترجم، نتایج و مقادیر بخش‌های ارزیابی شده براساس تکنیک‌های مثبت، منفی و خنثی در نمودار (۶) ارائه شده است.

جدول (۱): ویژگی‌های مثبت، منفی و خنثی بیانگر کیفیت ترجمه در سطوح چهارگانه مدل گارسس

تکنیک‌های مثبت	تکنیک‌های منفی	تکنیک‌های خنثی
معادل فرهنگی	ابهام	
اقتباس	ترجمه فرضی ^۲	
بسط	ساده‌سازی ^۳	
تعیین ^۱	ترجمه تحت‌اللفظی	
جبران	نارسایی ^۴	
دستورگردانی	تغییر لحن	تغییر در نوع ظرفیتی جمله
دگر بینی	تغییر ساختار درونی	حفظ اسامی خاص متن مبدأ
توضیح	حذف ^۵	تعریف
حذف	تعديل	
تغییر برحسب اختلافات	کاهش	
اجتماعی - فرهنگی	حفظ ساختارهای متن مبدأ	
حفظ صناعات ادبی	بسط خلاقه	
	پرگویی	
	اشتباه مترجم	
	حذف صناعات ادبی	
	تغییر صناعات ادبی	

منبع: Garces, 1994: 89

نمودار (۶): ارزیابی (ترجمه خطبه یک و حکمت‌های ۱ تا ۲۰) براساس تکنیک‌های مثبت، منفی و خنثی



منبع: یافته‌های پژوهش

1. Concretion
2. Calque
3. Simplification
4. Inadequacy
5. Suppression

نتیجه‌گیری

پس از بررسی و ارزیابی ترجمه منتخب و جمع‌بندی نتایج حاصل از چهار سطح الگوی گارسس براساس ویژگی‌های مثبت، منفی و خنثی، عملکرد مترجم محمد دشتی به شرح زیر است:

- ترجمه ایشان دارای معیار مقبولیت بوده و از کیفیت به نسبت بالایی برخوردار است. اوج فصاحت و بلاغت این شاعر ادبی، ترجمه آن را در بسیاری از بخش‌های کتاب مشکل کرده، بنابراین مترجم چاره‌ای جز ارائه دادن ترجمه‌ای روان و محتوا محور به منظور فهم مخاطب فارسی‌زبان نداشته است. ترجمه ایشان نمونه کامل یک ترجمه مقصد‌گراست؛ چراکه در بسیاری از موارد، ترجمه با متن اصلی مطابقت ندارد و سعی مترجم در معادل‌یابی محتوایی بوده است. مترجم هر جا لازم بوده است براساس ذوق و سلیقه خود به عمل ترجمه پرداخته و مخاطب ترجمه را در نظر گرفته تا معنا و مفهوم متن مبدأ را به مخاطب عرضه دارد و متنی سلیس و روان به جامعه فارسی‌زبان ارائه دهد. براساس سطوح چهارگانه گارسس، سطح اول و دوم بازتاب بیشتری در ترجمه ایشان داشته است و مترجم به جنبه‌های ساختاری زبان مقصد اهمیت فراوان داده و تا حد ممکن از معادل‌یابی تقریبی بهره گرفته است تا توانایی انتقال اندیشه و اعجاز کلام امیرالمؤمنین (ع) را به مخاطبان فارسی‌زبان داشته باشد.

- هیچ‌یک از نظریه‌ها و مدل‌های مطرح شده از سوی صاحب‌نظران ترجمه، عاری از عیب و نقص نیست. بنابراین، مدل گارسس نیز از این امر مستثنی نیست، مزیت و امتیاز این الگو در ارزیابی متون ترجمه شده، جزئی بودن موارد و زیرمجموعه‌های آن است که برخلاف دیگر الگوها که کلی هستند و راه را برای اعمال سلیقه ناقد و داور ارزیابی بازمی‌گذارد، این الگو راه را بر این نوع اعمال سلیقه‌ها می‌بندد. در کنار محاسن و امتیازات این مدل، ایرادهایی نیز وجود دارد که از جمله آن تقسیم‌بندی تکنیک‌ها به سه دسته مثبت، منفی و خنثی است که زیرمجموعه‌های تعریف، اسامی خاص و تغییر در نوع ظرفیتی جمله جزء تکنیک‌های خنثی محسوب شده‌اند در حالی که تعریف باید جزء ویژگی مثبت به شمار آید؛ چراکه گاهی واژه‌ای و یا عبارتی برای خواننده ناآشنا بوده و این وظیفه مترجم است

که با استفاده از تکنیک تعریف، این غموض، ابهام و مجهول بودن را از واژه یا عبارت موردنظر بزدايد. تکنیک حفظ اسامی خاص نیز باید در زمره ویژگی‌های مثبت به شمار آید؛ چراکه حفظ اسامی خاص و انتقال صحیح آن به متن مقصد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به خصوص اگر اسم خاص مبین هویت و فرهنگ یک ملت باشد که کار مترجم در انتقال این نوع اسم‌ها به متن مقصد حساسیت والایی می‌طلبد. در پایان امیدواریم در آینده نزدیک، مدلی جامع و کامل فراخور و متناسب ترجمه‌های ادبی عربی به فارسی تدوین شود تا به صورت علمی، منطقی و مستدل درباره کار مترجمان، اظهار نظر شود.

منابع

- البعلبکی، روحی. (۱۳۸۸). **فرهنگ عربی - فارسی المورد**. ترجمه محمد قدس. چ ۳. تهران: امیرکبیر.
- تجلی، غفار. (۱۳۶۸). «ارزش کاربردی اصول و مبانی ترجمه، ترجمه و اقتباس از ویلن کومیساروف». **مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**. ش ۲. صص ۱۰۱-۱۱۳.
- خزاعی فر، علی. (۱۳۸۸). **ترجمه متون ادبی**. چ هفتم. تهران: سمت.
- دشتی، محمد. (۱۳۷۹). **ترجمه نهج البلاغه**. چ ۱. قم: مشهور.
- سیدجلالی، بدری السادات، شهرام مدرس خیابانی و سیدمحمد کریمی بهبهانی. (۱۳۹۶). «تحلیل کیفیت ترجمه ادبی با رویکرد نقش‌گرای ارزیابی ترجمه: مطالعه موردی ترجمه‌های فارسی رمان فرنی و زویی اثر جی. دی. سلینجر». **دو ماهنامه علمی - پژوهشی جستارهای زبانی**. د ۸ ش ۷. صص ۱۸۲-۱۵۹.
- ماندی، جرمی. (۱۳۸۴). **آشنایی با مطالعات ترجمه (نظریه‌ها و کاربردها)**. ترجمه حمید کاشانیان. چ اول. تهران: مؤسسه انتشارات و خدمات فرهنگی هنری رخ.
- مختاری اردکانی، محمدعلی. (۱۳۸۶). **استعاره ترجمه (مجموعه مقالات در مورد ترجمه)**. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.

مرادی‌مقدم، مصطفی و بهزاد قنسولی. (۱۳۹۱). «تطبیق ویژگی‌های متنی و فرامتنی در اقتباس: بررسی موردی ترجمه رمان غرور و تعصب». **فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی**. د ۳. ش ۴. صص ۲۱۵-۲۳۴.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). **بحار الانوار**. مجلد ۵۷. ط ۲. بیروت: موسسه الوفاء.
معلوف، لوئیس. (۱۳۸۰). **المنجد: عربی به فارسی**. ترجمه بندر ریگی. ج ۲. چ ۳.
تهران: انتشارات ایران.

Bassnett McGuire, Susan. (1991). *Translation Atudies*. London: routledge.

Garces, Carmen Valro. (1994). "A methodological proposal for the assessment of ranslated literary works: A case study". *The Scarlet Letter by N.Hawthorne into Spanish Babel*. Vol 40. No 2. Pp. 77-102.

Newmark, Peter. (1981). *Approaches of Tranalation*. England: Prentice Hall International (UK).

_____ . (1988). *A textbook of Translation*. New York: Prentice- Hall.

<http://www.uah.es/es/estudios/profesor/M.-Carmen-Valero-Garcea>